

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق*

عباس ویشته**

چکیده

مشکلات اقتصادی یکی از عوامل افزایش طلاق است. وظیفه تأمین مالی مخارج زندگی بر عهده زوج بوده که این وظیفه در قالب نفقه بیان شده و شرط پرداخت آن تمکین زوجه در برابر زوج است. اما دامنه شمول این وظیفه تا کجاست؟ چه تعداد از طلاقها ناشی از عدم پرداخت نفقه هستند؟ برای پیشگیری از این گونه طلاقها چه می توان کرد؟ در این نوشتار در پاسخ به این سؤالات، به مفهوم نفقه، نیازهای امروز جامعه در رابطه با مصادیق نفقه، ارتباط نفقه با طلاق، عوامل مؤثر در عدم پرداخت نفقه، تقسیم بندی گروه های فاقد توان مالی، قابلیت بیمه در حمایت از این گروه ها، مطالعه تطبیقی با کشور تونس و مصر پرداخته شده است و در انتها اصلاح «قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست» برای کاهش طلاق های ناشی از عدم تأدیه نفقه پیشنهاد شده است.

کلیدواژه

نفقه، طلاق، تمکین، بیمه مالی، بیمه اجتماعی، زنان

* - تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۲/۲۸؛ تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۳/۴

** - دکترای حقوق خصوصی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد تاکنستان

طرح مسأله

طلاق یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی است که آثار آن در جامعه به صورت‌های گوناگون نمود پیدا می‌کند. بحران‌های عاطفی، اختلالات رفتاری کودکان، بی‌پناهی زنان مطلقه، فساد اخلاقی، جرائم و ... در اثر طلاق افزایش می‌یابند. برای کاهش این آثار غیر قابل انکار، به دو جنبه باید توجه نمود: نخست آن که طلاق یک واقعیت است، ولی برای کاستن از آسیب‌های آن از طریق کمک‌های مالی، مشاوره‌های روانشناسی و ... باید اقدام نمود. دوم باید از گسترش طلاق پیشگیری نمود و برای رسیدن به این هدف باید عوامل موجودش را شناخت. مشکلات اقتصادی و عدم توانایی زوج در تأمین مخارج زوجه از جمله عوامل مهم طلاق است. اما واقعاً چه تعداد از طلاق‌ها به علت مشکلات اقتصادی واقع می‌شوند؟ آیا برای پیشگیری از آنها راهی وجود دارد؟ آیا می‌توان با تأمین نفقه مانع وقوع این طلاق‌ها شد؟ این نوشته در پی پاسخ به این سؤالات، به بررسی نفقه به عنوان وظیفه مالی و قانونی زوج در برابر همسر، تأثیر آن بر طلاق و تحلیل راهکارهای ممکن برای کاهش چنین طلاق‌هایی می‌پردازد.

۱) مبانی نظری

۱ - ۱) نفقه در لغت

نفقه از ریشه (ن - ف - ق) و به معنای تلف شدن است و درباره مال به معنای خرج شدن به کار می‌رود. انفاق به معنای بخشیدن مال و مانند آن در راهی از راه‌های خیر است. نفقه اسمی از مصدر انفاق است؛ به معنای چیزی که از مال خرج می‌شود. این واژه به لحاظ کاربردش در حقوق تبدیل به اصطلاح شده است؛ از این رو در معنایش آورده‌اند: «مایفرض للزوجه علی زوجها من مال للطعام و الکساء و السكنی

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

والحضانة ونحوها». (آنچه که پرداختش از مال زوج به زوجه برای غذا، مسکن، پوشاک، حضانت و مانند آن واجب است) (انیس ابراهیم و دیگران، ۱۳۷۴: ص ۹۴۲).

۲ - ۱) نفقه در فقه

نفقه در فقه، وظیفه‌ای است که در قبال اطاعت زن از شوهر به ویژه در امور جنسی تحت عنوان تمکین خاص، بر عهده زوج قرار گرفته است. از آنجا که این احکام بر روایات و نصوص موجود مبتنی است، تفاوت چندانی بین نظرات فقهای قدیم و معاصر نمی‌باشد و تقریباً هیچ مخالفی در خصوص شرط بودن تمکین برای پرداخت نفقه به زن وجود ندارد (ر.ک. علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۱۰؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ص ۴۶۶؛ نجفی، ۱۳۶۷: ج ۳۱، ص ۳۰۶).

آنچه دچار تحول شده است، نظر برخی فقهای جدید در خصوص اقلامی است که باید به عنوان نفقه به زن تأدیه شود، مثلاً برخی فقهای قدیمی بر این عقیده بودند که مخارج درمان و داروی زن در حالت مریضی جزو نفقه نیست، اما فقهای جدید غالباً این موارد را جزو نفقه می‌دانند.

یکی از فقهاء می‌نویسد: «(زوجه لم تلزمه نفقه المرض من دواء و اجره الطیب و فساد و حجام وانما علیه نفقة الصحة فان سافرت باذنه فعليه نفقة الحضر وان سافرت بغير اذنه فلانفقها لها فان حجت فسی الفرض بغير اذنه فعليه نفقة الحضر)» (یحیی بن سعیدحلی، ۱۴۰۵ق: ص ۴۸۸). مخارج دارو، پزشک، رگزن و حجام در زمان مریضی بر عهده شوهر نیست. فقط نفقه زمان سلامتی زن بر عهده شوهر است و اگر زن به اذن شوهر مسافرت کند نفقه غیر مسافرت را زن می‌تواند بگیرد و اگر بدون اجازه شوهر سفر کرده باشد اصلاً نفقه‌ای به او تعلق نمی‌گیرد.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

علامه حلی نیز در این خصوص می‌نویسد: «ولا تستحق علیه الدواء للمرض، و لا اجرة الحمامة، و لا اجرة الحمام الا مع البرد» (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۱۰۵). زن استحقاق دریافت هزینه دارو برای بیماری، اجرت رگزن و پول حمام را ندارد، مگر هوا سرد باشد.

میرزای قمی نیز آورده است: «ظاهر این است که قیمت دوا بر زوج لازم نیست و این داخل نفقه نیست و همچنین اجرت حمام و نه اجرت حمام، مگر این که هوا سرد باشد و از برای غسل محتاج حمام باشد» (میرزای قمی، ۱۴۱۳ق: ص ۴۴۱). اما صاحب جواهر در مورد مصادیق نفقه استدلال جالبی دارد ایشان می‌نویسد: «اگر ملاک در پرداخت نفقه، ضرورت باشد در نتیجه باید تمامی آنچه مورد احتیاج زن است پرداخت شود و استثنایی در مورد دارو، عطر، سرمه، اجرت حمام و کوتاه کردن موجود ندارد که این نظر خالی از وجه نیست. اما اگر نفقه مخصوص لباس، غذا و مسکن باشد دیگر جایی برای بر شمردن روانداز و خادم گرفتن نیست به خصوص در مورد مریض و غیر آن احادیثی که در بیان موارد واجبش شنیده‌ام آن را موجه می‌سازد. اما اگر ملاک معاشرت بالمعروف و اطلاق الانفاق باشد [اشاره به آیات قرآن در این موارد دارد] نتیجه، وجوب همه است و نه تنها اینها، بلکه سایر مواردی که گفته‌اند و جنبه حصری ندارد، هم تحت آن قرار می‌گیرد. روش آن نیز احاله کردن تمامی آنها به عادت متداول بین زوجین در پرداخت نفقه از حیث رابطه زوجیت است نه از جهت شدت علاقه و مانند آن. فرقی هم ندارد که این مصادیق ذکر شده باشند یا خیر. اما همواره باید وضعیت زن و مکان و زمان و مانند آن را در نظر گرفت. اگر هم اختلافی پیش آمد قاضی حسب مورد رفع خصومت می‌کند. وگرنه من از آنچه که از فقها نفیاً و اثباتاً شنیده‌ام دلیلی که مختص بر شمردن این مصادیق و

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

ویژه بودن آنها باشد نشنیده‌ام (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۳۱، ص ۳۳۳).

به نظر می‌رسد فقها، پس از صاحب جواهر تحت تأثیر او یا تغییر شرایط زمانی واقع شده‌اند و غالباً یا مصادیق نفقه را ذکر نکرده‌اند یا مخارجی مانند حمام و درمان را نیز از مصادیق نفقه دانسته‌اند (ر.ک. موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۳۱۷؛ زین‌الدین، ۱۴۱۳: ج ۷، ص ۱۵۲؛ نوری همدانی، ۱۳۷۳: ص ۴۷۸؛ منتظری، ۱۳۷۷: ص ۴۶۷).

سؤال دیگر این است که آیا ملاک پرداخت نفقه صرفاً سطح زندگی و وضع اجتماعی زن است یا توانایی زوج نیز ملاک می‌باشد؟ در واقع منشأ اختلاف تفسیری است که از آیه: «لینفق ذوسعة من سعته ومن قدر علیه رزقه فلینفق مما آتیه الله لا یكلف الله نفساً الا ما آتیها سیجعل الله بعد عسر یسراً» (طلاق، ۸) می‌شود. می‌توان به عبارت سلار از فقهای متقدم اشاره نمود: «النفقة الواجبه: الاطعام و الكسوة و المسکن علی قدر الزوجه و حال الزوج بالعدل و الاخذام علی ان الواجب من النفقة بحسب سد الخله، فما زاد فندب ما لم یبلغ حد الاسراف» (سلار، ۱۴۱۴: ص ۱۵۶). (نفقه واجب، غذا دادن، لباس و مسکن بر اساس سطح مالی زوجه و وضعیت مرد به صورت عادلانه است و خادم گرفتن. میزان واجب برای نفقه رفع نیاز است و هر چه بیش از آن باشد مستحب است تا جایی که به اسراف مبدل نشود). مشابه این نظر در زیادة البیان آمده است (محقق اردبیلی، بی‌تا: ص ۵۴). اما صاحب جواهر با این نظر به نوعی مخالف است و می‌نویسد: ^۱ «معاصر در کنز العرفان در

۱- «قال فی کنز العرفان قال المعاصر فی هذه الایة دلالة علی ان المعتبر فی النفقة حال الزوج لا الزوجه، ولذلك اكد بقوله تعالی: لا یكلف الله نفساً الا ما آتاها اذ لو كان المعتبر حال الزوجه لاحال الزوج لأدی ذلك فی بعض الاوقات الی تکلیف مالا یطاق، بان تكون ذات شرف و الزوج معسر، و عندی فیه نظر اما اولاً فلفتنوی الاصحاح انه بیح القيام بما تحتاج الیه المرأة من طعام و ادام و کسوة و اسکان تبعاً لعادة امثالها و ثانیاً فلان قوله تعالی لا یكلف الله الی آخره قابل للتقیید، ای فی حال التي قدر فیهما الرزق، و حیثئذ جاز ان یکون الواجب علیه ما هو عادة امثالها، فیؤدی ما قدر علیه الان، و یرقی الباقي دین علیه، فلذلك اتبع الکلام بقوله تعالی: سیجعل الله بعد عسر یسراً قلت هو صریح فیما قلناه، بل ظاهره الاجماع علی ذلك، علی انه یمکن تنزیل الایة علی نفقة غیر الزوجه التي یسقط بالاعسار هاهنا ما یعسر علیه حتی بالكسب بناءً علی وجوبه لنفقة القریب».

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

تفسیر این آیه چنین بیان نموده: آیه بر این دلالت دارد که در پرداخت نفقه حال زوج ملاک است نه زوج و در تأکید حرفش به این آیه استناد کرده است که لایکلف الله نفساً الا ما آتاه خداوند بر کسی تکلیفی بیش از آنچه به او داده، وضع ننموده است گفته اگر ملاک، وضعیت زوج باشد و وضع زوج نباشد در نتیجه برخی اوقات تکلیف مالا یطاق خواهیم داشت زیرا ممکن است زوج از خانواده مالدار باشد اما زوج معسر باشد. اما برای من در اینجا نظراتی مطرح است:

اولاً، فتوای فقها بر این است که شوهر باید آنچه که زن بنا بر عادت امثال خودش نیاز دارد از غذا و خورش و لباس و مسکن تهیه کند.

ثانیاً، آیه مزبور قابل تقييد است به این معنی که بگوئیم در زمانی که روزی زوج کفاف دهد، پرداخت کند. لذا جایز است که میزان نفقه واجب، آن چیزی باشد که عادتاً برای زنان مثل زوج است اما الان شوهر مقداری را بدهد که تواناییش را دارد و باقی به عنوان دین بر عهده‌اش بماند. بنابراین از گفته خداوند که می‌فرماید بعد از سختی آسانی قرار می‌دهد پیروی می‌شود و به نظر من این صراحت دارد در سخن ما. ظاهراً هم اجماع بر این است. ضمن این که ممکن است نزول آیه نیز درباره نفقه غیر زوج باشد که با اعسار ساقط می‌شود» (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۳۱، ص ۳۳۳).

به نظر می‌رسد سخن صاحب جواهر منطقی باشد و این نظر را غالب فقها پذیرفته‌اند و آنها هم نفقه را بر شوهر معسر واجب دانسته‌اند اما می‌گویند بر عهده‌اش می‌ماند تا مؤسر شود (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ج ۶، ص ۲۱؛ طباطبایی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۰۹؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۴۸۸).

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

۳- ۱) نفقه در قانون

نگاهی به قانون مدنی در موارد مربوط به نفقه نشان می‌دهد که این قانون، با آن که از فقه ریشه گرفته است، لکن در موارد اختلاف نظر بین فقها، نظراتی را انتخاب کرده که قابلیت اجرایی بهتری در جامعه داشته باشند و مسائلی مانند واجب نبودن پرداخت هزینه درمان و حمام زن بر مرد یا ممنوع بودن زن در خروج از منزل بدون اجازه زوج را مطرح نکرده است.

آنچه از قانون مدنی می‌توان در خصوص نفقه استخراج نمود عبارت است از:

۱- ۳- ۱) نفقه در عقد نکاح دائم یا نکاح موقتی که در آن شرط شده باشد برعهده مرد است (مواد ۱۱۱۳ و ۱۱۰۶ ق.م.).

۲- ۳- ۱) در طلاق رجعی و طلاق زنی که باردار است تا زمان وضع حمل نفقه برعهده مرد است (ماده ۱۱۰۹ ق.م.).

۳- ۳- ۱) پیش از اصلاح، ماده ۱۱۱۰ ق.م. تصریح داشت که زن در عده وفات، حق نفقه ندارد. در سال ۱۳۸۱ با اصلاح قانون مدنی، بیان شد که در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه برعهده آنان است در صورت عدم پرداخت تأمین می‌گردد.

البته ناگفته پیداست که این اصلاح صحیح نمی‌باشد. موضوعی که در اصلاح طرح شده، مربوط به نفقه اقارب است و ربطی به نفقه واجب بر زوج ندارد.

«قانونگذار در تصویب این ماده نفقه زوجه و اقارب را خلط کرده است. با این که احکام نفقه اقارب در قانون مدنی به تفصیل ذکر شده (مواد ۱۱۹۶ ق.م. به بعد) تصویب این حکم دارای ضعف و اجمال بسیار است. آیا تفاوت بین نفقه زوجه از اموال شوهر و نفقه زن شوهر مرده از اموال خویشان خود (غیر از زوج) معلوم

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

نیست؟ آیا حکم جدیدی وضع شده؟ آیا زوجه در عده وفات از اموال شوهر مرده نفقه دارد؟ پاسخ به سؤال اخیر منفی است ولی نظر قانونگذار چیست؟» (قاسم زاده، ره‌پیک، کیایی، ۱۳۸۴: ص ۳۹۱).

۴-۳-۱) شرط تعلق نفقه، ادای وظایف زوجیت از طرف زن است (ماده ۱۱۰۸ ق.م.). مگر این که مرد بعد از ازدواج مبتلا به امراض مقاربتی شده باشد (ماده ۱۱۲۷ ق.م.).
۵-۳-۱) زن در صورت خوف بدنی یا مالی یا شرافتی می‌تواند با شوهر در یک منزل زندگی نکند و در این حالت نفقه بر عهده مرد خواهد بود (ماده ۱۱۱۵ ق.م.).
۶-۳-۱) شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند (ماده ۱۱۱۷ ق.م.).

۲) تبیین مسأله

سؤال اصلی این است که برای کاهش طلاق‌های ناشی از عدم پرداخت نفقه چه می‌توان کرد؟ این سؤال بر چند پیش‌فرض مبتنی است: الف) طلاق‌هایی به این علت واقع می‌شوند؛ ب) این طلاق‌ها، تعداد زیادی هستند و باید آنها را کاهش داد. در تبیین این پیش‌فرض‌ها، باید سه حوزه مختلف جداگانه بررسی شود: نخست ارتباط نفقه با طلاق در قانون؛ دوم آمار طلاق‌های ناشی از نفقه در دادگاه؛ سوم ارتباط طلاق با نفقه در جامعه.

۱- ۲) ارتباط نفقه با طلاق در قانون

قانون مدنی، امکان تقاضای طلاق به لحاظ عدم پرداخت نفقه را پیش‌بینی کرده است. در ماده ۱۱۲۹ ق.م. آمده: «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین در صورت عجز شوهر از دادن نفقه». علاوه بر این ماده که صریحاً بر امکان صدور طلاق به لحاظ عدم پرداخت نفقه تأکید دارد؛ ماده ۱۱۳۰ ق.م. نیز اشعار می‌دارد:

«در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود» این ماده به زوجه امکان می‌دهد که به استناد عسر و حرج ناشی از سختی در معیشت، تقاضای طلاق کند.

البته این ماده تنها اختصاص به نفقه ندارد «خودداری شوهر از نزدیکی با زن، بی‌اعتنایی و اهانت به او، اختیار همسران دیگر، پای‌بند نبودن به وفاداری (داشتن رابطه نامشروع)، اعتیاد و سوء معاشرت و... ممکن است از اسباب ایجاد عسر و حرج و طلاق به درخواست زن قرارگیرد» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ص ۶۹۲).

هر چند این دو ماده راه‌های همیشگی خلاصی از دشواری‌های اقتصادی زندگی هستند، اما با سخت‌تر شدن اوضاع مالی در جامعه، استفاده از این دو ماده افزایش می‌یابد.

با نگاهی به قانون مدنی، این نتیجه حاصل می‌شود که زوجه هیچ وظیفه‌ای برای کارکردن و تأمین هزینه خود و فرزندان ندارد. در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است (ماده ۱۱۰۶ ق.م.) و نفقه اولاد برعهده پدر است، پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به عهده اجداد پدری است (ماده ۱۱۹۹ ق.م.).

تنها وظیفه‌ای که قانون برای زوجه در نظر گرفته، تمکین از شوهر است و حتی زن می‌تواند فرزند خود را نیز شیر ندهد (ماده ۱۱۷۶ ق.م.) و اگر کار کند هم

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

وظیفه‌ای برای پرداخت هیچ یک از مخارج زندگی ندارد. با توجه به این که عده زیادی از زنان در حال حاضر، شاغل هستند و در تأمین هزینه‌های زندگی شراکت دارند، این نتیجه معلوم می‌شود که اگر این زنان بخواهند از حقوق قانونی مندرج در قانون مدنی و فقه استفاده کنند و هیچ هزینه‌ای را نپذیرند، در اثر عدم توانایی همسرانشان در تأمین هزینه‌ها، تعداد طلاق‌های ناشی از نفقه افزایش خواهد یافت. پس در واقع، مواد مزبور ذاتاً افزایش دهنده طلاق هستند.

۲-۲) عدم آمار طلاق‌های ناشی از نفقه در دادگاه

در تمامی مجتمع‌های خانواده، بخشی از دادخواست‌های مربوط به طلاق، مستند به مواد ۱۱۳۰ - ۱۱۲۹ ق.م. هستند، اما چه درصدی از پرونده‌ها منجر به صدور رأی براین اساس می‌شوند؟ در این باره آماری وجود ندارد و نمی‌توان به آسانی به چنین آماری دست یافت. ولی چرا با وجود فن‌آوری‌های جدید در داده پردازی، چنین کاری ممکن نیست؟ برخی از دلایل به شرح ذیل بیان می‌شود:

۱- ۲-۲) در دادگستری هنوز سیستم رایانه‌ای سراسری که تمام ادارات و محاکم آن را به هم متصل کند نه تنها در سطح کشور، بلکه در سطح یک استان یا شهر هم وجود ندارد؛ لذا پردازش اطلاعات از این طریق منتفی است.

۲- ۲-۲) حتی در مجتمع‌های قضایی نیز، شبکه‌های داخلی که تمام بخش‌های یک مجتمع و شعب آن را به هم متصل کند، وجود ندارد. آنچه در مجتمع‌های قضایی وجود دارد، تنها به طرفین پرونده این امکان را می‌دهد که شعبه‌ای که پرونده به آن ارجاع شده است را پیدا کنند. بنابراین تنها راهی که برای دستیابی به آمار باقی می‌ماند آن است که تک تک احکام مطالعه شود تا مشخص گردد، چه تعداد از آنها به دلیل عدم پرداخت نفقه صادر شده‌اند. البته واضح است که لازمه

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

انجام این کار، داشتن تعداد زیادی نیرو و زمان زیاد است.

۲-۲-۳) صرفنظر از نبودن پردازش‌های رایانه‌ای در خصوص داده‌های موجود در احکام دادگاه‌ها و لزوم مطالعه تک تک پرونده‌ها و آرای صادرشده در خصوص آنها برای یافتن آمار، مشکل بزرگ دیگر این است که دادگستری برای در اختیار قرار دادن پرونده‌ها و آرای صادر شده، محدودیت دارد و به آسانی پرونده‌ها را در اختیار پژوهشگر قرار نمی‌دهد.

۲-۲-۴) نمی‌توان در یک شعبه یا مجتمع قضایی، جامعه آماری نمونه‌ای به دست آورد زیرا:

الف) مجتمع‌های قضایی براساس مناطق جغرافیایی، صلاحیت یافته‌اند لذا در هر کدام از آنها، وضعیت اقتصادی مراجعه‌کنندگان با دیگری متفاوت است و هیچ کدام از تمام اقشار جامعه پرونده ندارند.

ب) براساس پرونده‌های یک شعبه نیز نمی‌توان به یک جامعه آماری مطلوب دست یافت، زیرا از تنوع لازم برای داشتن یک نمونه آماری برخوردار نیست و علاوه بر آن کاملاً تصادفی است. امکان دارد در یک ماه ۲۰ پرونده طلاق مرتبط با نفقه، منجر به حکم شود، ولی در ماه بعد، اصلاً حکمی در این باره صادر نشود.

۲-۳) ارتباط نفقه با طلاق در جامعه

با اندکی تأمل می‌توان دریافت که احکام طلاق صادر شده توسط دادگاه‌ها به دلیل عدم پرداخت نفقه، بیانگر واقعیت جامعه نیست. علت این مباینات در چند بند قابل بیان است:

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

۱- ۳- ۲) ارتباط نفقه با تمکین

محاکم زمانی به استناد ماده ۱۲۹ ا.ق.م. حکم صادر می‌کنند که زن قبلاً مرد را به پرداخت نفقه محکوم کرده باشد. همچنین شرط تعلق نفقه به زن، تمکین اوست، پس در نتیجه احکامی که صادر شده‌اند، زانی را نشان می‌دهد که زوج علیه آنها نتوانسته حکم تمکین بگیرد، یعنی یکی از حالات ذیل در این پرونده‌ها وجود داشته است:

۱- ۱- ۳- ۲) زن در خانه شوهر زندگی نمی‌کند و تمکین هم نمی‌کند و مرد به لحاظ عدم اطلاع از قانون، علیه زوج حکم تمکین نگرفته است.

۲- ۱- ۳- ۲) زن در خانه شوهر است، ولی شوهر در خانه نیست و هزینه زندگی را نیز تأمین نمی‌کند.

۳- ۱- ۳- ۲) به ندرت ممکن است، زن و شوهر هر دو با هم بتوانند در یک جا زندگی کنند و زن علیه شوهر حکم پرداخت نفقه بگیرد.

۴- ۱- ۳- ۲) پس از انعقاد نکاح، علی‌رغم آمادگی زوج، زوج به لحاظ مشکلات اقتصادی نتوانسته امکانات لازم برای زندگی مشترک را فراهم کند.

با دقت در این موارد معلوم می‌شود، این مصادیق، علی‌رغم کثرت، موارد متعددی را در جامعه نشان نمی‌دهند؛ زیرا زمانی که فشار اقتصادی زیاد می‌شود، اختلافات گسترش پیدا می‌کند و زوج معمولاً خانه را ترک می‌کند. در نتیجه حاضر به ادامه زندگی نیست و این موضوع منجر به صدور حکم تمکین علیه زوج می‌شود.

بنابراین برخی از زانی که به لحاظ مالی مشکلات دارند در دادگاه نمی‌توانند حکم طلاق به استناد عدم پرداخت نفقه بگیرند.

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

۲-۳-۲) تفاوت مفهوم نفقه در قانون با جامعه

نفقه در قانون به نیازهای اساسی اختصاص یافته است؛ همچنین قانون و فقه تصریح دارند که نیازهای یک شخص بر اساس جایگاه اجتماعی وی متفاوت است. در نتیجه تفاوت برداشت درباره این که جایگاه اجتماعی یک فرد چه اقتضایی دارد، به وجود می‌آید. صرف نظر از این اختلاف سلیقه نباید از یاد برد که نفقه برای هزینه‌های ضروری مطرح شده است. با این نگاه در قانون آیا هزینه کلاس زبان برای یک طفل هشت ساله هم ضروری است؟ رفتن به سونا یا کلاس‌های مختلف توسط زوجه هم ضروری تلقی می‌شود؟ در شرایط فعلی نمی‌توان چنین هزینه‌هایی را در مفهوم نفقه گنجانند و بعید است دادگاه‌ها به آسانی حکم به پرداخت این موارد بدهند؛ درحالی که اختلاف‌های متعددی که ناشی از عدم پرداخت این قبیل هزینه‌ها هستند در خانواده‌های اقشار متوسط ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر مفهوم مندرج در قانون در مورد نفقه، پاسخگوی نیازهای امروز بخش زیادی از جامعه نیست. اما برای حل این مشکل چه می‌توان کرد؟

۲-۳-۲-۱) راه‌حل‌های ممکن

- الف) هدف قانونگذار از تحمیل نفقه بر مرد، تأمین نیازهای اولیه زنان بوده است، لذا نباید دامنه این اجبار را گسترش داد.
- ب) بر اساس ملاک عرفی بودن نفقه، دادگاه مشکل را حل کند.
- ج) در قانون، بر موارد جدید، تصریح شود.
- د) زوجه با شرط ضمن عقد، تأمین این موارد را بر عهده زوج قرار دهد.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

۲-۲-۳-۲) نقد و بررسی

الف) اما نظر اول قابل پذیرش نیست، چون بخش اعظم جامعه در تأمین این نیازهای اولیه مشکل چندانی ندارند. در واقع این معیارها، تنها برای زنده ماندن کفایت می‌کند و اختلافات در نیازهای دیگر بروز پیدا می‌کند.

ب) نظر دوم به نسبت نظر اول، معقول‌تر است و در فقه هم بر آن تأکید شده است: «مقدار و نوع نفقه از پیش تعیین شده نیست بلکه ضابطه و معیار عرفی دارد و با در نظر گرفتن امثال زن و نیازهای شهری که در آن زندگی و سکونت دارد تعیین می‌گردد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ص ۳۱۵). اما این نظر اشکالاتی دارد:

- تشخیص عرف آسان نیست، برای اطلاع از نظر عرف باید به مردم رجوع نمود که تنها راه اندیشیده شده برای آن داشتن هیئت منصفه‌ای از مردم عادی است؛ در حالی که در عمل نمی‌توان برای هر دعوی خانوادگی آن را تشکیل داد.

- این که هرچند مراجعه به نظر مردم در دعوی خانوادگی سخت است، اما در مورد نفقه این کار دشوارتر است؛ زیرا میزان نفقه براساس پایگاه خانوادگی زوجه تعیین می‌شود. یعنی باید نظر بخشی از جامعه که همسطح زوجه هستند ملاک عمل قرار گیرد.

- در صورتی که مراجعه به عرف صورت نگیرد، تنها ملاکی که باقی می‌ماند، نظر قاضی می‌باشد که این به معنای داشتن آرای متفاوت به لحاظ سلیقه‌های مختلف قضات خواهد بود.

بنابراین بهترین راه آن است که مصادیق نفقه از طریق قرارداد مشخص شود. به عبارت دیگر زوجین به هنگام نکاح آن را شرط کنند. به این ترتیب اختلاف نظر در مورد میزان نفقه زن و فرزندان بروز پیدا نخواهد کرد و اختلاف نظر در

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

مورد مصادیق آن نیز رخ نخواهد داد. اما مشکل این نظر آن است که در هنگام ثبت ازدواج به دلایل مختلف زوجین دقت کافی برای درج این مصادیق نخواهند داشت؛ زیرا اولاً ممکن است حجب و حیای ذاتی زنان مانع از بیان صریح خواسته‌های بعدی آنان شود. ثانیاً اشتغال‌های ذهنی زن و شوهر به مراسم سنتی، جشن و پایکوبی، مخارج و غیره مانع از تمرکز فکر برای چنین اموری می‌شود. ثالثاً برخی اوقات تراکم کاری سردفتر ازدواج و طلاق و عجله زوجین برای برگزاری مراسم، اجازه نمی‌دهد که زوجین بتوانند راجع به این مسائل فکر کنند.

در مجموع به نظر می‌رسد بهترین راه آن است که چند فرم نمونه برای طبقات مختلف فقیر، متوسط و متمول (بر اساس سطح مالی و اجتماعی زوجه) تهیه شود در هنگام ثبت به زوجین ارائه گردد تا از بین آنها مواردی را انتخاب کنند.

نتایج ذیل از تبیین مسأله به دست می‌آید:

الف) تعدادی از زن‌ها که نمی‌توان آمار دقیقی از آنها ارائه کرد، واقعاً به لحاظ پرداخت نشدن نفقه تقاضای طلاق می‌کنند.

ب) عدّه زیادی از زن‌ها با وجود تحمل کمی نفقه، سختی زندگی یا کار کردن برای تأمین معاش و حق قانونی، تقاضای طلاق نمی‌کنند.

ج) تعدادی از زوجین با وجود اختلافات مالی با هم، به دلیل عدم شمول توقع آنها در تعریف قانون از نفقه تحت عناوین دیگر تقاضای طلاق می‌کنند.

د) برخی از زنان با وجود تقاضای طلاق به استناد نفقه در واقع برای گسستن رشته زندگی مشترک دلایل دیگری دارند؛ اما چون حق طلاق در اختیار مرد است، راه دیگری برای تقاضای طلاق نیافته‌اند، مثلاً زن شاغلی متوجه می‌شود که همسرش به وی خیانت می‌کند، اما نمی‌تواند این موضوع را در دادگاه ثابت کند و

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

شوهر هم حاضر به طلاق نیست. در این جا زن با وجود این که می تواند از درآمد خود مخارج خانه را تأمین کند با تمسک به نپرداختن نفقه تقاضای طلاق می کند. هـ(زنانی که به جهت دشواری زندگی، خانه را ترک کرده اند و به لحاظ عدم تمکین، نفقه به آنها تعلق نمی گیرد و تقاضای طلاق به استناد آن هم نمی توانند بکنند.

۳) تحلیل مسأله

از بین گروه های فوق، گروه چهارم که از نفقه به عنوان مستند قانونی صرفاً استفاده می کنند؛ داخل در قلمرو مسأله نیستند. گروه دوم نیز کسانی هستند که با وجود مؤثر بودن اختلافات مالی می توان با مشاوره و ایجاد تفاهم از طلاق آنها جلوگیری نمود. اما سه گروه دیگر کسانی هستند که واقعاً مشکلات اقتصادی بر زندگی آنها سایه افکنده است. برای ارائه راهکار جهت حل مشکل این سه گروه، باید علت مورد بررسی قرارگیرد. به نظر می رسد علت اصلی بروز مشکل اقتصادی زیاد شدن هزینه ها نسبت به درآمدها باشد. علاوه بر این برای تحلیل حقوقی موضوع، عامل اراده و زمان نیز تأثیرگذار هستند. با توجه به این چهار مؤلفه می توان مسأله را به صورت ذیل تحلیل نمود:

۱- ۳) تأثیر عامل زمان: افرادی که دچار مشکل مالی در زندگی مشترک هستند

دو گروه می باشند:

الف) کسانی که از ابتدای تشکیل ازدواج توانایی تأمین نفقه را نداشته اند؛

ب) کسانی که بعد از ازدواج توانایی مالی خود را از دست داده اند.

۲- ۳) تأثیر عامل درآمد: کسی که منبع درآمد خود را از دست بدهد، نمی تواند

مخارجش را تأمین کند، اما منبع درآمد این فرد از دو حالت خارج نیست:

الف) شخص حقوق بگیر است و درآمدش وابسته به حقوق پرداختی از طرف

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

یک نهاد دولتی یا غیر دولتی است؛

ب) شخص حقوق بگیر نیست و به اصطلاح شغل آزاد دارد.

۳-۳) تأثیر عامل هزینه: افزایش هزینه‌ها یا مخارج را به دو گروه می‌توان تقسیم

نمود:

الف) افزایش‌های دائمی، مثل بچه دار شدن؛

ب) افزایش‌های مقطعی، مثل هزینه زایمان.

۳-۴) تأثیر عامل اراده: کسی که دارای مشکل مالی است یا به صورت غیرارادی

دچار این مشکل شده یا اراده‌اش در آن تأثیر داشته است یا به عبارت دیگر سوءتدبیر، باعث سختی زندگی شده است.

جدول (۱): دسته‌بندی وضعیت افراد دارای توانایی تأمین نفقه در ابتدای ازدواج

افزایش غیردائم هزینه		افزایش دائم هزینه		شرایط وضعیت
غیرارادی	ارادی	غیرارادی	ارادی	حقوق بگیر
غیرارادی	ارادی	غیرارادی	ارادی	غیرحقوق بگیر

۴) بررسی راهکارهای موجود

در بررسی راهکارهای موجود یکی از طرق مفید، استفاده از تجربیات کشورهای دیگر است. بدین منظور ابتدا وضعیت دو کشور اسلامی مصر و تونس که جزو کشورهای پیشرو عرب در مسائل حقوقی هستند، بررسی می‌شود.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

۱- ۴) مطالعه تطبیقی

۱- ۱- ۴) تونس

در تونس قانون شماره ۶۵ مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۹۳ در خصوص تأسیس صندوق تضمین نفقه و هزینه‌های بعد طلاق تصویب شده است. این قانون شامل ده ماده است. در ماده اول آمده: این صندوق برای کمک به کودکان و زنان مطلقه است و تحت پوشش صندوق ملی تأمین اجتماعی قرار می‌گیرد. این صندوق در واقع مسؤلیت‌ش پرداخت مبالغ «محکوم به» در احکام نفقه ناشی از طلاق و هزینه‌های بعد از طلاق است. صندوق این مبالغ را می‌پردازد و بعد به تقسیط از محکوم علیه دریافت می‌کند و در ازای این کار پنج درصد کارمزد می‌گیرد. در صورتی که محکوم علیه اقساط را به موقع تأدیه نکند باید جریمه تأخیر بپردازد.

درآمد صندوق از بودجه دولت، کارمزدها و اقساط دریافتی، درآمدهای سرمایه‌گذاری، هبه‌ها و عطایا تأمین می‌شود. صندوق ملی تأمین اجتماعی وظیفه حمایتی در قبال آن دارد و حق ندارد درآمدهای آن را در غیر موارد مصرح در قانون هزینه کند (www.red.tn).

۲- ۱- ۴) مصر

در مصر ابتدا قانون تنظیم برخی شرایط و اجرائیات دادخواهی‌های ناشی از مسائل احوال شخصیه به شماره ۱ سال ۲۰۰۰ - که در قانون شماره ۹۱ سال ۲۰۰۰ اصلاح شد - به تصویب رسید. ماده ۷۱ این قانون مقرر می‌داشت که یک نظام بیمه خانواده با هدف تضمین اجرای احکام صادره برای پرداخت نفقه زوجه یا مطلقه یا اولاد یا اقارب ایجاد شود و تحت نظر بانک اجتماعی ناصر اداره گردد.

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

برابر این قانون بانک اجتماعی ناصر مکلف به پرداخت نفقه‌ها، اجور و هر چیزی که در حکم آن است و به نفع زوجه مطلقه، اولاد یا والدین صادر می‌شود می‌باشد (بانک اجتماعی ناصر یک مؤسسه غیرانتفاعی است که مطابق قانون شماره ۶۶ سال ۱۹۷۱ تأسیس شده و در واقع عهده‌دار اداره امور مالی تأمین اجتماعی این کشور است).

این بانک پس از پرداخت مبالغ محکوم‌به می‌تواند آنها را از محکوم‌علیه دریافت نماید.

ماده ۷۳ این قانون تمامی نهادهای دولتی را مکلف کرده است که با تقاضای این بانک، مبالغ پرداختی توسط آن را از حقوق کارکنان خود کم و به حساب بانک ناصر واریز نمایند. در ماده ۷۴ آن آمده در صورتی که محکوم‌علیه حقوق‌بگیر نباشد باید هفته اول هر ماه اقساط را بپردازد.

ماده ۷۵ این قانون به بانک ناصر اجازه داده، مبالغ پرداختی را از طریق توقیف اموال و درآمدهای محکوم‌علیه باز پس بگیرد.

ماده ۷۶ این قانون نیز حداکثر مبلغ قابل توقیف از حقوق کارکنان را از ۵۰-۲۵ درصد براساس تعداد افراد محکوم له قرار داده است.

دو ضمانت اجرای کیفری هم وجود دارد. برای سوءاستفاده‌کنندگان مالی شش ماه حبس و کسائی که با نقشه و احکام ساختگی مبالغی دریافت کنند، تا دو سال حبس در نظر گرفته شده است.

بعد از آن به لحاظ مشکلاتی که در اجرا پیش آمد، قانون شماره ۱۱ سال ۲۰۰۴ برای تأسیس صندوق نظام بیمه خانواده به تصویب رسید. مطابق ماده ۱ این قانون، این صندوق غیرانتفاعی برای حل مشکلات اجرای احکام نفقه و تحت پوشش

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

بانک ناصر ایجاد می‌شود. همه خانواده‌ها مکلف به عضویت در آن هستند و برای هر ازدواج ۵۰ لییره، برای طلاق یا رجوع ۵۰ لییره و برای اخذ هر گواهی ولادت ۲۰ لییره باید به بانک بپردازند. در واقع این صندوق وظایف بانک ناصر را در موارد فوق عهده‌دار می‌شود (<http://www.arablegalportal.org> و <http://www.alassy.net>).

۲-۴) راهکار بومی

در مورد مشکلات مختلفی که در تحلیل مسأله بیان شد، نمی‌توان یک راه حل واحد ارائه نمود، لذا ابتدا هر گروه جداگانه بررسی شده، سپس به نقش بیمه به عنوان یک راهکار مطلوب توجه شده است.

۱- ۲- ۴) اشخاص فاقد توان مالی اولیه

به نظر می‌رسد در مورد این گروه بهترین راه پیشگیری از بروز مشکل است. لذا پیشنهاد می‌شود با انجام مطالعاتی اقتصادی، حداقل درآمد برای تشکیل زندگی در مناطق مختلف کشور تخمین زده شود و از ثبت ازدواج کسانی که فاقد این حداقل هستند تا زمانی که واجد آن شوند یا شخص دیگری پرداخت این هزینه را تضمین نماید، خودداری شود.

۲- ۲- ۴) اشخاص واجد توان مالی اولیه

در مورد این اشخاص ممکن است تغییر درآمد در اثر کاهش درآمد یا افزایش هزینه‌ها باشد.

۱- ۲- ۲- ۴) کاهش درآمد

اما در خصوص این افراد حالات مختلفی وجود دارد. مثلاً از دست دادن منبع

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

مالی برای یک کارمند می‌تواند در اثر از کارافتادگی یا اخراج یا تعطیلی محل کار رخ دهد. اما برای یک فرد غیرحقوق بگیر علاوه بر از کارافتادگی ممکن است، از دست رفتن سرمایه، پایین آمدن دستمزدها یا قیمت‌ها، افزایش قیمت مواد اولیه کالایی که تولید می‌کند یا تغییرات موارد دیگری بر اساس شغل فرد، باشد. تمامی این موارد ممکن است تحت تأثیر اراده فرد یا بدون اراده حادث شود.

۲-۲-۲-۲) افزایش هزینه‌ها

- افزایش هزینه غیرارادی: در افزایش هزینه‌ها نیز حالات مختلفی ممکن است رخ دهد. افزایش‌های غیرارادی زیادی در هزینه‌ها وجود دارند: بیماری، فوت اقوام، ازدواج فرزندان، بالارفتن هزینه‌های کار و تولید، خرابی لوازم کار، همین‌طور حوادث غیرمترقبه مانند زلزله، سیل، طوفان و ...

- افزایش هزینه ارادی: اما کسانی را که در اثر سوء تدبیر به صورت ارادی منابع مالی خود را از دست داده‌اند، به دو گروه می‌توان تقسیم نمود:

الف) افرادی که در اثر عدم مدیریت و تعقل در سرمایه‌گذاری یا خرج‌های نادرست، دچار مشکل شده‌اند.

ب) کسانی که معتاد به انواع موادمخدر، مشروبات الکلی یا سایر مفاسد اخلاقی هزینه‌بر هستند.

به نظر می‌رسد جامعه نباید تاوان خطاهای این دو گروه را عهده‌دار شود، البته حمایت نکردن از خانواده‌های این افراد باعث زیان‌های بیشتری برای جامعه است. بنابراین باید حساب زنان و فرزندان این افراد را از خودشان جدا کرد و به معتادان نیز فقط به شرط بهبودی کمک کرد تا از این مساعدت‌ها برای آلودگی بیشتر سود نبرند.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

صرفنظر از گروه آخر، در برخورد با مشکلات این مجموعه ناهمگون در نگاه اول به نظر می‌رسد بیمه بتواند راهگشا باشد. به ویژه اینکه راهکاری است که کشورهای دیگر هم از آن سود برده‌اند.

۳- ۲- ۴) استفاده از بیمه

همان‌گونه که گفته شد بیمه می‌تواند برای تأمین نفقه خانواده‌های زیادی استفاده شود ولی چه نوع بیمه‌ای با چه شرایطی؟ به طور کلی دو نظام مختلف بیمه‌های اجتماعی و بیمه‌های مالی وجود دارد.

۱- ۳- ۲- ۴) بیمه مالی

منظور از بیمه‌های مالی، بیمه‌هایی هستند که در چارچوب قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ فعالیت می‌کنند و جنبه سودآوری دارند. مطابق ماده ۱ این قانون: «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا جوهری از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارات وارد بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد. متعهد را بیمه‌گر، طرف تعهد را بیمه‌گذار، وجهی را که بیمه‌گذار به بیمه‌گر می‌پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می‌شود موضوع بیمه می‌نامند».

این نوع بیمه‌ها به دو گروه عمده بیمه خسارات و بیمه اشخاص تقسیم می‌شوند. در این نوع بیمه، شرکت‌های بیمه، نمایندگان و دلالان بیمه فعالیت دارند. نظارت و ساماندهی این بازار بر عهده نهاد دولتی بیمه مرکزی ایران قرار دارد.

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

۲-۳-۲- بیمه اجتماعی

بیمه‌های اجتماعی بیمه‌هایی هستند که برای تأمین رفاه مردم و پیشگیری از بروز مشکلات اجتماعی برای آنان، خارج از جنبه سودجویی تشکیل شده‌اند. البته وضعیت اداره این نوع بیمه چندان مطلوب نیست. سازمان‌ها، ادارات و صندوق‌های مختلفی در این حوزه به فعالیت می‌پردازند که این باعث نوعی بی‌نظمی و گاه بی‌عدالتی در دریافت حق بیمه و ارائه خدمات شده است.

۳-۳-۲- تحلیل و بررسی

اما کدام یک از این دو نوع نظام بیمه‌ای می‌توانند در حل این مسأله راهگشا باشند؟

با توجه به این که چندی قبل بیمه ایران و برخی بیمه‌های دیگر پیشنهادهایی در خصوص بیمه طلاق و مهر مطرح کرده‌اند، آیا این شرکت‌ها می‌توانند پوشش بیمه‌ای برای نفقه ایجاد کنند؟ در پاسخ به این سؤال باید توجه داشت که عقد بیمه یک عقد معوض و غیرمجاننی است.

«در عقد بیمه نیت لطف بین طرف‌های عقد وجود ندارد و هر یک از طرفین به دنبال کسب منفعت خود هستند، بیمه‌گذار همواره باید مبلغی بابت مابه‌ازای تضمینی که از بیمه‌گر دریافت می‌کند تحت عنوان حق بیمه پرداخت نماید. بیمه هیچ‌گاه عقد مجاننی و بلاعوض نیست» (بابایی، ۱۳۸۵: ص ۳۸).

به عبارت دیگر تا حق بیمه پرداخت نشود، عقد بیمه به وجود نمی‌آید ولی در فرض عدم توانایی مرد در پرداخت حق بیمه چه کسی باید حق بیمه را بپردازد؟ ممکن است گفته شود شخص در زمان تمول، پرداخت نفقه را به عنوان موضوع قرارداد بیمه می‌کند و حق بیمه می‌پردازد، تا در زمان فقر خسارت بگیرد؛ اما

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

مشکل این است که برای این که شرکت بیمه بتواند چنین بیمه‌ای را انجام دهد باید عده زیادی این حق بیمه را پردازند تا با محاسبات ریاضی، پوشش بیمه ممکن و مقرون به صرفه باشد در حالی که چنین عقد بیمه‌ای مشتریان اندکی دارد، ضمن این که اگر اجباری نیز شود شاید بتوان در زمان ثبت ازدواج به زور مبلغی دریافت کرد ولی در سال‌های بعد هیچ ضمانت اجرایی برای دریافت حق بیمه نمی‌توان داشت به ویژه که تمایلی برای ادامه این پوشش بیمه برای کسانی که مشکلی در زندگی خود ندارند نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین بیمه پرداخت نفقه پوشش بیمه‌ای قابل تحقق و سودآوری به نظر نمی‌رسد و امکان عملی پیدا نمی‌کند. لذا تنها راهکار موجود استفاده از بیمه‌های اجتماعی خواهد بود.

مطابق مقررات تأمین اجتماعی برای از کارافتادگی، بیکاری، مرگ و حوادث ناشی از کار، مستمری در نظر گرفته شده است. بنابراین برای افراد حقوق‌بگیر مشکل چندانی از نظر وجود مواد قانونی نیست؛ فقط مشکل اصلی کمبود مبالغ این نوع مستمری‌ها است که باید برای افزایش آنها اقدام کرد.

در مورد شاغلین مشاغل آزاد نیز با وجود امکان پوشش بیمه خویش‌فرما، به لحاظ بالا بودن حق بیمه و نبودن فرهنگ آن در خیلی از مشاغل، صاحبان حرف و مشاغل آزاد از آن استفاده نمی‌کنند.

بنابراین در خصوص افراد غیر حقوق‌بگیر باید راهی یافت. در برخورد با این خلأ قانونی در حمایت از خانواده‌های این افراد دو دیدگاه می‌توان داشت:

- ۱ - پیشنهاد قانون جدید برای ایجاد پوشش بیمه تأمین اجتماعی؛
 - ۲ - استفاده از پتانسیل‌های قانونی موجود یا اصلاح مواد موجود.
- واضح است که استفاده از قانون موجود یا اصلاح آن به لحاظ سهولت، سرعت

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

و این که قانون موجود قبلاً از نظر اجرا آزمایش شده است برتری دارد.

(۵) پیشنهاد اصلاح قانون

در بررسی قوانین قابل اعتنا در این حوزه، معلوم می‌شود، قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ می‌تواند در صورت اصلاح، هدف را تأمین نموده و مشکل عدم توانایی در پرداخت نفقه را حل کند.

ماده ۱ این قانون اشعار می‌دارد: «به پیروی از تعالیم عالیه اسلام در جهت حفظ شؤون و حقوق اجتماعی زنان و کودکان بی سرپرست و زدودن آثار فقر از جامعه اسلامی و به منظور اجرای قسمتی از اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زنان و کودکان بی سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگر نیستند از حمایت‌های مقرر در این قانون بهره‌مند خواهند شد».

مسئول اجرای این قانون سازمان بهزیستی است و مشمولان این قانون در ماده ۲ این‌گونه معرفی شده‌اند: ۱- زنان بیوه؛ ۲- زنان پیر و سالخورده؛ ۳- سایر زنان و دختران بی سرپرست؛ ۴- کودکان بی سرپرست.

این ماده در توضیح سایر زنان و دختران بی سرپرست می‌نویسد که این عبارت به زنان و دخترانی اطلاق می‌شود که بنا به عللی از قبیل مفقودالایر شدن یا از کارافتادگی سرپرست، به‌طور دائم یا موقت بدون سرپرست (نان آور) می‌مانند.

با توسعه دامنه شمول این قانون می‌توان خلأ قانونی مطرح شده را از بین برد از طرف دیگر این قانون امتیازهای خوبی دارد زیرا مشکلات ممکن در خصوص چنین حمایت‌هایی را درک کرده است مثلاً مواد ۷- ۶ این قانون در خصوص سوءاستفاده و گرفتن مستمری بدون استحقاق، پیش‌بینی ممنوعیت و مجازات کرده است. همچنین آیین‌نامه‌های آن نیز موجود و در حال اجرا است. امتیاز دیگر قانون

این است که در ماده ۴ که حمایت‌های موضوع این قانون را احصا کرده است فقط به دادن کمک مالی اکتفا نکرده و حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی همچنین معرفی شغل را هم در نظر گرفته است. برای اصلاح قانون موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱- ۵) در عنوان قانون، ماده ۱ و بند ۳ از ماده ۲، عبارت «بی‌سرپرست» حذف و به جای آن «بی‌نفقه» قرارگیرد.

۲- ۵) در بند ۳ از ماده ۲ واژه «عللی» حذف و به جای آن «هرعلتی» و به جای «بدون سرپرست (نان آور)» واژه «بدون نفقه» قرارگیرد.

۳- ۵) بند ۱ ماده ۶ نیز که از موارد قطع مستمری یکی را هم ازدواج، رجوع یا تحت تکفل قرارگرفتن دانسته است باید حذف شود.

به این ترتیب مشکل خلأ قانونی حل خواهد شد و نیازی به قانون جدید وجود نخواهد داشت. اما برای اینکه در عرصه اجرا مشکل پیدا نشود باید آئین‌نامه اجرایی خوبی برای تشخیص مشمولین قانون به تصویب رساند و بودجه کافی برای اجرای آن تخصیص داد. به نظر می‌رسد در تدوین آئین‌نامه اجرایی آن می‌توان از تجربه کشور مصر استفاده کرد، البته صندوق تضمین نفقه آنها فقط برای اجرای احکام نفقه است و جنبه پیشگیرانه آن کم‌رنگ است از آنجا که در ایران وقتی زوجه به دادگاه برای دریافت نفقه رجوع می‌کند معمولاً در پی گرفتن طلاق است لذا بررسی تقاضاهای متقاضیان اگر در محیطی غیر از دادگاه مثلاً کمیسیون‌های ویژه موضوع در سازمان مربوطه به عمل آید بهتر است. اما تجربه آنها از این جهت که صندوق خاصی تأسیس کرده‌اند، تمامی بودجه آن از دولت نیست و درآمدهایی هم دارد، همه خانواده‌هایی که تازه ازدواج می‌کنند مجبور به

نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق

عضویت در آن هستند، از همه مهمتر این که پول بلاعوض نمی‌دهد و جنبه وام دادن دارد، ارزشمند است بنابراین می‌توان در آئین‌نامه مذکور اجرای قانون را از طریق یک صندوق انجام داد. همچنین به نظر می‌رسد واگذاری اداره این صندوق به سازمان تأمین اجتماعی نیز به لحاظ قرابت کاری و توان مالی بهتر باشد.

منابع

- انیس ابراهیم؛ منتصر عبدالحلیم؛ الصوالحی عطیه؛ احمد محمد خلف الله (۱۳۷۴) *المعجم الوسیط*، ج ۵، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بابایی، ایرج (۱۳۸۵)، *حقوق بیمه*، چ پنجم، تهران: سمت.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۱۰ق)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ج ۱، قم: داوری.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق)، *قواعد الاحکام*، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ق)، *الجامع للشرایع*، قم: مؤسسه سید الشهداء.
- زین الدین، محمد امین (۱۴۱۳ق)، *کلمة التقوی*، چ ۳، بی جا: مطبعة المهر.
- سلار دیلمی، ابی یعلی حمزة بن عبدالعزیز (۱۴۱۴ق)، *المراسم العلویة فی الاحکام النبویة*، قم: المعاونة الثقافية للمجمع العالمی لاهل البيت.
- طباطبایی، سید علی، (۱۴۰۴ق)، *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، قم: مؤسسه آل البيت.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، چ ۳، تهران: المكتبة المرتضویة لاحیا الآثار الجعفریة.
- قاسم زاده، سید مرتضی؛ ره بیگ، حسین؛ کیایی، عبدا... (۱۳۸۴)، *تفسیر قانون مدنی*، چ ۲، تهران: سمت.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

- قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۱)، *جامع الشتات*، ج ۱، تهران: کیهان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، *قانون مدنی در نظم حقوق کنونی*، ج ۳، تهران: میزان دادگستر.
- محقق اردبیلی (بی تا)، *زبدة البیان فی احکام القرآن*، تهران: المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۰ق)، *المقنعه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۷)، *توضیح المسائل*، ج ۱۶، قم: نشر تفکر.
- موسوی خمینی، سیدروح ... (۱۳۹۰ق)، *تحریر الوسیله*، ج ۲، نجف: مطبعه الاداب.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام*، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۷۳)، *توضیح المسائل*، ج ۴، قم: مؤلف.